

آموزش فا در کنفرانس ونکوور، کانادا، در ۲۰۰۳

(۱۸ مه ۲۰۰۳ ~ لی هنگجی)

(تشیویق طولانی) برخی از شما را در کنفرانس قبلی نیز دیده‌ام. به نظر می‌رسد نزدیک تابستان کنفرانس‌های فای ما بیشتر برگزار می‌شود. وقتی مناطق مختلف کنفرانس فا برگزار می‌کنند، افراد آنجا همیشه مرا دعوت می‌کنند و امیدوارند من شرکت کنم. در واقع، هر بار که شما را می‌بینم به خاطر این است که چیزهایی برای گفتن به شما دارم. معمولاً وقتی مناطق مختلف کنفرانس فا برگزار می‌کنند، همگی می‌خواهند استاد شرکت کند و چند کلمه‌ای بگویند. اما گاهی اوقات الزاماتی را که در سخنرانی قبلی برای شما گذاشتم کاملاً درک نکرده‌اید، و آنگاه اگر بیشتر بگویم به احتمال زیاد درک‌تان از سخنرانی قبلی و آنچه را که باید انجام دهید کم‌رنگ می‌کند. بنابراین نمی‌توانم زیاد در کنفرانس‌های فا شرکت کنم. در واقع، امروز مطلب خاصی برای صحبت ندارم، بلکه مدت‌ها پیش به شاگردان ونکوور قول دادم که وقتی کنفرانس فای برگزار کنند خواهیم آمد، از این‌رو این بار آمدم. (تشیویق گرم)

شما سخت کار کرده‌اید. آنچه در روشنگری حقیقت و رفتن به کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌ها برای اعتباربخشی به فا انجام داده‌ید را دیده‌ام. در این کنفرانس فا شاگردان سختی‌هایی درخصوص غذا و محل اقامت داشته‌اند. وقتی اینجا آمدم دیدم که همگی در خیابان درحال تردد بودید. اما بدون توجه به اینکه چقدر سخت است، هدف‌تان روشن است: در موقعیت‌های دشوار ما قادر هستیم که موجودات ذی‌شعور را نجات دهیم و در ترکیه خودمان موفق شویم؛ در این روند ترکیه قادر هستیم خودمان را آبدیده کنیم و خالص‌تر و پاک‌تر شویم و بیشتر و بیشتر قادر شویم به استانداردهای بالاتر برسیم و درعین حال، این آزار و شکنجه، شما را هرچه بیشتر عقلانی ساخته و بهتر و بهتر به این درک رسیدید که با این نمایش اهریمنی و این آزار و شکنجه چگونه روبرو شوید. بنابراین، بدون توجه به اینکه این چقدر عذاب‌آور یا سخت است، ما میدان دافا هستیم، در نتیجه به دنبال هیچ چیزی از مردم عادی نیستیم و درباره هدف نهایی‌تان روشن هستید: می‌خواهیم به کمال یک ترکیه‌کننده برسیم. آنچه می‌خواهیم کسب کنیم چیزی است که مردم عادی هرگز نمی‌توانند آن را کسب کنند. به همین دلیل است که برای میدان دافا این خارق‌العاده و مهم است که از یک فرد عادی شروع کنند و قادر باشند در طول این روند، به طور کامل فراتر از مردم عادی بروند، و علاوه بر آن، شما درحال ترکیه در اجتماع عادی هستید و مجبورید مطابق با استانداردهای بالاتر باشید - استانداردهایی که فراتر از اجتماع بشری است - و کارهایی را انجام دهید که همه ترکیه‌کنندگان سراسر تاریخ خواهان انجام آن بودند اما هرگز نتوانستند به انجام برسانند. از این‌رو کارهایی مانند اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور دربرگیرنده این هستند که چگونه خودتان را رشد می‌دهید، چگونه نقاط ضعف‌تان، چیزهایی که هنوز به آنها وابسته هستید و انواع و اقسام کوتاهی‌ها را برطرف می‌کنید. به این شکل، بدون توجه به اینکه برای اعتباربخشی به فا از چه شکلی از اجتماع عادی استفاده می‌کنید، درحال ترکیه هستید، بدون توجه به اینکه چه کاری انجام می‌دهید درحال رشد هستید و بدون توجه به اینکه چه کاری انجام می‌دهید باید آن را با حالت یک ترکیه‌کننده انجام دهید و نه اینکه برپایه یک فرد عادی انجام دهید.

این روشن است که نقطه شروع مان چیست. به عنوان یک ترکیه‌کننده، اساس آنچه درحال انجامش هستید این است که خودتان را رشد دهید و خودتان را ترکیه کنید و در طول این آزار و شکنجه، شیطان را افشاء کنید، تلاش کنید آزار و شکنجه به پایان برسد و نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را رد کنید و نپذیرید. از این‌رو بسیاری از کارهایی که انجام می‌دهید شبیه کارهایی به نظر می‌رسند که مردم عادی انجام می‌دهند، اما سرشت آنها متفاوت است. تفاوت بنیادی این است که هدف غایی و نقطه شروع ما از آنها متفاوت است. ما فقط درحال استفاده از شیوه‌های عادی در اجتماع عادی هستیم. اجتماع عادی نیز سطحی است

که فا برای بشریت آفریده است، از این رو در این سطح از طریق استفاده از فرهنگی که فا برای مردم عادی آفریده و شکل‌های گوناگونی که به آن شکل‌ها می‌تواند وجود داشته باشد، به فا اعتبار می‌بخشیم. فکر نمی‌کنم در خصوص این کارها چیز اشتباهی وجود داشته باشد.

می‌دانید، نیکی و پلیدی در اجتماع بشری با هم وجود دارند. اما تزکیه‌کنندگان دافا کاملاً بر اساس نیکی رفتار می‌کنند و این تأثیر مثبتی بر بشریت، بر اجتماع، بر تفکر، رفتار و ارزش‌های اخلاقی مردم و بر ما تزکیه‌کنندگان دارد. گسترش دافا به تأثیر مثبت عظیمی دست یافته است - تأثیری بی‌نهایت خوب - تأثیری بر اجتماع، موجودات بشری و خود تزکیه‌کنندگان، و هر چیزی که متجلی می‌شود مثبت بوده است. ما دربارهٔ این روشن هستیم، و همین‌طور مردم عادی در اجتماع. تحت این آزار و شکنجهٔ شیطانی، برخی افراد در گذشته در آن زمان تحت کنترل و استفادهٔ موجودات شیطانی قرار گرفتند و چیزهایی را گفتند که از قلب‌شان نبود، چیزهایی که در ظاهر، به معنی چیزی بودند اما در واقع نبودند، و چیزهایی که از اندیشهٔ خودشان نمی‌آمد - عامل آن، کنترل شیطان بود. امروزه وقتی موجودات بشری چیزی دربارهٔ دافا می‌گویند باید نسبت به خود مسئول باشند. قبلاً مردم می‌توانستند بگویند که آن کلمات، نیت و منظور خودشان نبود، چراکه مردم تحت کنترل موجودات شیطانی خارجی بودند و به وسیلهٔ آنان فریب خورده بودند. اما، وقتی شرایط به گونه‌ای است که آن موجودات خارجی پاکسازی شده‌اند و مردم چیزی می‌گویند، آنگاه این گونه است که خود مردم صحبت می‌کنند و در نتیجه باید مسئولیت آن را به عهده بگیرند.

نیک‌خواهی عادت من است. می‌توانم کارهای بدی که مردم انجام داده‌اند، یا چیزهای بدی که در طول این آزار و شکنجه دربارهٔ مریدان دافا و من گفته‌اند را نادیده بگیرم، همچنین کارهایی که انجام داده‌اند تا وضعیت را بدتر سازند. البته، این برای آنهایی که آسیب بزرگی برای دافا به بار آوردند صدق نمی‌کند. آنها قابل نجات نیستند. بله، فا می‌تواند همه و هر چیزی را نجات دهد - شنیده‌اید که استاد به شما گفته من می‌توانم هر چیزی را به بهترین، تبدیل کنم، بدون توجه به اینکه چقدر بد باشد - می‌توانم تمامی آن کارها را انجام دهم، قانون بزرگ می‌تواند آن را انجام دهد، اما برخی از افراد بدنهاد در طول این آزار و شکنجه، گناهی را علیه خود مرتکب شده‌اند که دیگر سزاوار شنیدن صحبت‌های مریدان دافا نیستند و دیگر سزاوار این نیستند که دافا آنها را نجات دهد، به عبارت دیگر، در این آزار و شکنجه جایگاه آیندهٔ خود را تعیین کرده‌اند و فرصت نجات را از دست داده‌اند. از این رو این افراد را شامل نمی‌شود. گفته‌ام بدون توجه به اینکه یک موجود در طول تاریخ چقدر بد شده باشد، هنوز فرصتی خواهد داشت، خواه در بعد بشری یا در بعد دیگری از هر سطحی باشد، تا وقتی که در طول این آزار و شکنجه علیه دافا مرتکب گناه نشده باشد، آنگاه بدون توجه به اینکه در طول تاریخ در اجتماع بشری یا در بعد دیگری از هر سطح، گناهانش چقدر عظیم بودند، می‌توانم او را نجات دهم. و این را به شما گفته‌ام: من اشتباهات گذشتهٔ هر موجودی در تاریخ را نادیده می‌گیرم. زیرا حتی کیهان نیز دیگر به اندازهٔ کافی خوب نیست، و موجودات نمی‌توانند با موجودات مرحلهٔ شکل‌گیری و ثبات مقایسه شوند، بنابراین وقتی دیگر هیچ چیزی به اندازهٔ کافی خوب نباشد، نمی‌خواهم مقایسه کنم و بینم کدامیک نسبتاً بهتر هستند. صرفاً می‌خواهم همه را نجات دهم و تا وقتی علیه خود اصلاح فا مرتکب گناه نشده باشند، می‌توانم آنها را نجات دهم. در حال انجام کارها، سخت به این اصل پایبند بوده‌ام. (تسویق)

اغلب شاگردانی هستند که از من دربارهٔ افرادی می‌پرسند که می‌خواهند دافا را یاد بگیرند اما برای شیطانی که دافا را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد به عنوان جاسوس کار کرده‌اند و اصلاح فا را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند. این افرادی که علیه دافا مرتکب گناه شده‌اند اما هنوز در میان شاگردان هستند، در خصوص جنبهٔ آگاه‌شان، آنها نمی‌خواهند دافا را ترک کنند، اما در خصوص جنبهٔ بشری‌شان، افکار و عقاید بشری و وابستگی‌های بشری‌شان آنها را به پیش رانده و کارهایی انجام داده‌اند که به مریدان دافا و اصلاح فا آسیب رسانده است. بنابراین در خصوص این افراد، که هنوز آنها را «شاگردان» می‌نامم، مشکلات واقعاً جدی و وخیم است. اما این‌طور نیست که دیگر نمی‌توانند رها شوند، این‌طور نیست که دیگر نمی‌توانند نجات یابند. هنوز هم از موجودات دیگر متفاوت هستند. در حال حاضر اصلاح فا هنوز به پایان نرسیده، بنابراین هنوز فرصتی برای اعتباربخشی به فا وجود دارد. به عبارت دیگر، هنوز فرصتی برای جبران آن وجود دارد. من به یک موجود به طور جامع نگاه می‌کنم و به کل تاریخ او نگاه می‌کنم. اگر کسی واقعاً یک مرید دافا باشد، اگر واقعاً در گذشته موجود خیلی خوبی بوده اما در این محیط به طور موقت کار

اشتباهی انجام داده، آنگاه هنوز هم متفاوت از یک فرد عادی است که علیه دافا مرتکب گناه شده است. پس از اینکه صدماتی که به بار آوردند را جبران کنند، هنوز می‌توانند آن را به انجام برسانند و اگر به خوبی عمل کنند، به‌طور مشابه تقوای عظیم‌تری در انتظار آنان خواهد بود. (تشویق)

قبلاً گفته‌ام که در اجتماع عادی، بدون توجه به اینکه موقعیت شما چیست یا شغل‌تان چیست، و حتی اگر شغل‌تان جاسوسی باشد - که کار ویژه‌ای با وظایف ویژه‌ای است و به همین دلیل پرسنل ویژه نامیده می‌شوند، درست؟ - به هر حال، یک موجود هستید، بنابراین واقعاً نباید فقط به‌خاطر اینکه شغل ویژه‌ای دارید این فرصت بسیار نادر و با ارزش را از دست بدهید، نمی‌توانید فقط به‌خاطر نوع کارتان این فرصتی که موجودات ده‌ها هزار سال در انتظار آن بوده‌اند را نابود کنید. من این‌گونه به موجودات نگاه می‌کنم. البته، در گذشته وقتی این‌ها را آموزش می‌دادم، این در برای نجات تعداد بسیاری باز گذاشته شده بود - شما را بر اساس طبقه، شغل یا موقعیت اجتماعی انتخاب نکردم. اصلاً به این چیزها نگاه نمی‌کنم. فرقی نمی‌کند ثروتمند باشید یا فقیر، در چه طبقه اجتماعی هستید، باهوش هستید یا خیر، آیا تحصیلات عالی دارید، متعلق به چه گروه قومی هستید - هیچ تمایزی قائل نمی‌شوم. به هیچ یک از این تمایزاتی که موجودات بشری قائل می‌شوند، نگاه نمی‌کنم و هیچ‌یک از آنها را در ذهنم ندارم. با همه به یکسان رفتار می‌کنم. این‌گونه عمل می‌کنم. و این قطعاً شامل آن مأموران ویژه نیز می‌شود و آنهایی که برای یافتن اطلاعات بیشتری درباره دافا جاسوسی می‌کنند.

البته، اگر به گذشته نگاهی بیندازید و درباره‌اش بیندیشید، خواهید دید که به‌عنوان استادان، با عظیم‌ترین رحمت با موجودات ذی‌شعور برخورد می‌کنم. بنابراین اگر علی‌رغم همه اینها هنوز نتوانم شما را نجات دهم، آنگاه باید در آینده تبعاتی در انتظار این افراد باشد. می‌دانید، بسیاری از شاگردان می‌خواهند مرا ببینند، و بسیاری از مردم عادی می‌خواهند مرا ببینند. وقتی برخی افراد مرا می‌بینند بدون اینکه دلیل آن را بدانند هیجان‌زده می‌شوند و وقتی برخی افراد مرا می‌بینند به‌طور خاصی احساس صمیمیت و نزدیکی می‌کنند. برخی از افراد چنان هیجان‌زده می‌شوند که می‌خواهند گریه کنند. زیرا جنبه آگاه‌شان می‌داند که هر کسی مرا ببیند، به او کمک خواهم کرد، (تشویق) و می‌توانم گناهان و کارمایی که در طول تاریخ مرتکب شده را کاهش دهم. (تشویق) از این‌رو بدون توجه به اینکه چه شغلی دارید یا چه کاری انجام می‌دهید، تا وقتی که مرا ببینید، افکار خوب (شن) در شما رشد می‌دهم و تا وقتی مرا ببینید، در میان افکار خوب‌تان، گناهان و کارمای‌تان را کاهش می‌دهم. (تشویق) درواقع، هر کسی در دنیا یک جنبه آگاه دارد، آنها می‌دانند. یا به‌شکلی دیگر بیان کنیم، بدون توجه به اینکه چه کاری انجام داده‌اید یا مشغول چه حرفه‌ای هستید، با همه شما بدین شکل رفتار می‌کنم. (تشویق) شاید این همان «بزرگترین رحمتی» باشد که مردم درباره‌اش صحبت می‌کنند. البته، در میان موجودات در این سطح این‌گونه متجلی می‌شود. وقتی با افراد بدین‌گونه رفتار می‌کنم، وقتی با مردم دنیا بدین‌گونه رفتار می‌کنم، اگر تحت چنین رحمتی و تحت این بردباری که کاملاً فراتر از طرز رفتار مردم عادی با موجودات است، و هنوز مردم دنیا، موجودات بشری، در حال آسیب رساندن به دافا باشند و مریدان دافایی را که در حال تلاش برای نجات آنها هستند بی‌اعتبار کنند، آنگاه فای بودا وقار خود را دارد، و وقتی پس از چنین رحمتی هنوز هم خوب عمل نکنند، مطلقاً دیگر امیدی برای هستی‌شان وجود ندارد.

درباره سارس در چین می‌دانید، بسیار خوب، در گذشته نیروهای کهن تصمیم گرفتند [با استفاده از آن] هشت میلیون نفر در چین را از بین ببرند. آنها به‌جای اینکه پشیمان باشند هنوز حقایق آنجا را پنهان می‌کنند. به‌خاطر نیک‌خواهی نسبت به موجودات بشری، [استاد] می‌خواهد به موجودات بشری فرصت‌های بیشتری بدهد و نمی‌خواهد این تعداد از مردم بمیرند. اما به‌جای اینکه پشیمان باشند، حتی از سارس برای آزار و شکنجه مریدان دافا استفاده می‌کنند و در حال مخفی کردن حقایق هستند. افرادی که در قدرت هستند نیز افرادی عادی هستند و آنها نیز در معرض مکافات خدایی هستند. خدایان در حال هشدار هستند و با این حال، [برخی] افراد هنوز می‌خواهند مسائل را مخفی کنند و مانع این می‌شوند که مردم دنیا درس خود را بیاموزند. پس آنچه در انتظار آنها است حتی مکافات بدتری از سوی آسمان‌ها است! به عبارت دیگر، درحالی که با عظیم‌ترین رحمت با همه موجودات رفتار می‌کنم، اگر برخی از شما موجودات هنوز نتوانید از عهده آن برآیید، آنگاه شما را تنها خواهم گذاشت و البته راه‌های دیگری برای برخورد با شما خواهد بود. به‌شکلی دیگر بیان کنیم، فای بودا بخشنده است، اما سرشت باوقار خدایان را نیز

دارد و مردم اجازه ندارند صرفاً هر کاری را که می‌خواهند انجام دهند و رحمت خدایان را جدی نگیرند. این رفتاری از کفرگویی نسبت به خدایان است.

وقتی دفعه قبل فا را آموزش می‌دادم مطرح کردم که برخی از شاگردان مرتکب اشتباهاتی شده‌اند که نباید انجام دهند. درواقع تا وقتی که در مطالعه فا پایدار باشید و آن را به‌خوبی مطالعه کنید، خودتان را اصلاح کنید و دوباره به‌خوبی رفتار کنید، پس هنوز یک مرید دافا هستید. صرفاً دفعه بعد به‌خوبی عمل کنید، همین، و خیلی به آن شرح و بسط ندهید گویی خیلی وخیم بوده است. اگر در ذهن‌تان آن را خیلی وخیم در نظر بگیرید وضعیت دیگری برای‌تان ایجاد می‌کند که به‌واسطه افسوس و نگرانی احساس فشار می‌کنید و آنگاه در وابستگی غرق می‌شوید و نمی‌توانید از آن بیرون بیایید. کل روند تزکیه یک مرید دافا روندی از رها کردن وابستگی‌های بشری است. بدون توجه به اینکه چه چیزی را تجربه کرده‌اید، به‌محض اینکه متوجه مشکل می‌شوید بلافاصله آن را اصلاح کنید؛ اگر زمین می‌خورید، بلند شوید و به کاری که یک مرید دافا باید انجام دهد ادامه دهید. در این حالت، اشتباهی که مرتکب شدید صرفاً به‌عنوان آزمایشی محسوب می‌شود که در طول تزکیه‌تان آن را به‌خوبی اداره نکردید، می‌توانید دفعه بعد سعی کنید تا در آن موفق شوید و فرصت‌های بیشتری برای شما خواهد بود تا این آزمایش را دوباره بگذرانید. همین. استاد نمی‌تواند [کارهای] اشتباهی را که در طول تزکیه انجام می‌دهید موضوع بزرگی به حساب بیاورد. اما درخصوص آن افرادی که نمی‌توانند از آن وضعیت بیرون بیایند یا اشتباهات را تکرار می‌کنند، آنگاه آن ماجرای متفاوتی است. نمی‌توانید به‌خاطر اینکه یک اشتباه کردید وابستگی جدیدی رشد دهید.

قبلاً وقتی فا را آموزش می‌دادم عادت نداشتم مسائل را خیلی شدید بیان کنم، دلیلش این بود که نمی‌خواستم بار ذهنی برای‌تان ایجاد کنم یا باعث وابستگی‌های دیگری شود. و به این دلیل است که به‌ندرت به‌طور فردی به یک شاگرد فا را آموزش می‌دهم. یکبار که به فردی فا را آموزش دهم و به کوتاهی‌های او اشاره کنم، درباره‌اش بیندیشید، از زمانی که کلمات از دهان بیرون بیایند ذهنش تحت فشار قرار خواهد گرفت. به همین دلیل است که به‌ندرت به‌طور فردی فا را به کسی آموزش می‌دهم. وقتی فا را آموزش می‌دهم درباره مسائل که در سطحی گسترده کاربرد دارند صحبت می‌کنم و در گستره‌ای وسیع صحبت می‌کنم. و وقتی به مشکلاتی می‌رسد که کوچک هستند، که در حاشیه هستند، یا آنهایی که مجزا هستند و فقط به افراد کمی مربوط می‌شود، و وقتی به‌صورت کلی با شاگردان تداخل ایجاد نمی‌کنند، نیاز نیست که آنها را مطرح کنم. زیرا در طول روند تزکیه، شاگردان آن مسائل را بین خودشان خواهند دید و به آن افراد اشاره خواهند کرد، به کوتاهی‌ها اشاره خواهند کرد. و حتی اگر آن افراد نتوانند فوراً متوجه شوند، از آنجا که وابستگی دارند، به‌تدریج به آن پی می‌برند. فقط وقتی مشکلاتی در سطح وسیعی از بدنه بروز کند یا آنهایی که به وضعیت کلی دافا مرتبط هستند، یا وقتی مشکلی درخصوص اعتباربخشی به دافا وجود داشته باشد، فقط آنگاه درباره آن صحبت می‌کنم. برای مثال، درحال حاضر در مناطقی از سرزمین اصلی چین هنوز افرادی هستند که متون جعلی [دافا] پخش می‌کنند و برخی از افراد آنقدر وابسته هستند که حتی آنها را از بر می‌کنند و فقط از بر نمی‌کنند، بلکه در بین شاگردان نیز تبلیغ می‌کنند. چه چیزی آنها را به این کار و می‌دارد؟ آنها این کار را انجام می‌دهند زیرا آن نوشته‌های جعلی حاوی مطالبی هستند که به آنها وابستگی دارند و مطالبی که با وابستگی‌های بشری‌شان جور در می‌آید. فکر نمی‌کنم عمداً قصد داشته باشند به دافا صدمه بزنند. بلکه به‌خاطر اینکه افکار بشری و وابستگی‌هایی دارند این کار را انجام می‌دهند، آنها کارهایی انجام داده‌اند که شیطان می‌خواهد انجام شود و با مریدان دافا در اعتباربخشی به فا مداخله کرده‌اند.

تاکنون چند بار در کنفرانس‌های فا در کانادا شرکت کرده‌ام. (تسویق) سه کنفرانس اصلی بوده و آنها تأثیر ژرفی روی شما گذاشته‌اند. بار اول، همان‌طور که می‌دانید، مدت کوتاهی قبل از ۲۰ ژوئیه [۱۹۹۹] بود. دومین بار وقتی بود که سرکوب و آزار و شکنجه خیلی شدید بود. آن کنفرانس در اتاوا برگزار شد و آنجا رفتیم. این بار، وقتی است که شیطان در مقیاس وسیعی به‌طور کامل درحال ازبین رفتن است و اصلاح فا با سرعتی بسیار زیاد درحال پیش‌روی است و با سرعتی بسیار زیاد درحال ازبین بردن شیطان و نفوذ به بعد بشری است. در این زمان است که اینجا هستیم تا شما را ملاقات کنیم. بنابراین این سه کنفرانس فا در کانادا کاملاً گویا هستند. (تسویق طولانی)

باید بگوییم که شاگردان کانادایی بسیار خوب عمل کرده‌اند و این مسئله در بسیاری از کارهای مختلف متجلی می‌شود. همکاری خوب‌تان نکته اصلی بوده است و موارد زیادی وجود نداشته که اجازه داده باشید وابستگی‌های بشری روی چگونگی اعتباربخشی به فا تأثیر گذاشته باشد. و موارد زیادی از این نیز در بین شما وجود نداشته که روی نظر خودتان پافشاری داشته باشید تا حدی که نتوانسته باشید رها کنید. تضادهای زیادی در میان شاگردان وجود نداشته است. با همدیگر خوب همکاری کرده‌اید و در خصوص اعتباربخشی به فا چنین موقعیت خوبی را ایجاد کرده‌اید. و البته کانادا مکان خاصی است. حکومت و مردم کانادا حمایت و همدلی بسیاری نسبت به دافا و مریدان دافا داشته‌اند و به این خاطر باید از مردم و حکومت کانادا تشکر کنیم. (نشویق گرم)

بنابراین با نگاه به این سه کنفرانس فا و فکر کردن به گذشته، می‌توانیم تفاوت در وضعیت کلی را به‌طور واضح ببینیم. سه بار با شاگردان کانادا ملاقات کرده‌ام و در بین این سه بار تغییرات در وضعیت کلی بزرگ بوده است. همگی این را دیده‌اید. وقتی آزار و شکنجه در ابتدا شروع شد، فشار بسیار شدید بود. وقتی قبل از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹ فا را در کانادا آموزش دادم، بسیاری از آنچه گفتم درواقع برای این بود که برای مردم دنیا به مسائلی اشاره کنم - درحال گفتن چیزی به مردم دنیا بودم. هر فردی یک جنبه آگاه دارد. وقتی فا را آموزش می‌دهم فقط با موجودات بشری صحبت نمی‌کنم، لایه‌لایه‌های من درحال صحبت با موجودات در سطوح مختلف هستند و این بدین دلیل است که هر چیزی که در این مکان بشری روی می‌دهد مجزا نیست - آن بازتابی در پایین‌ترین سطح، از تغییراتی کیهانی صورت گرفته است. دقیقاً مانند آن چیزی است که قبلاً گفتم: حقایق، سطح به سطح متفاوت هستند. از سطحی بالاتر، حقایق سطوح پایین‌تر اشتباه به‌نظر می‌رسند، اما حقایق، در سطوح مرتبط با خود، حقایق هستند، و حالات، تجلیات و استانداردها برای یک چیز مشابه، در سطوح مختلف، متفاوت هستند، به‌طوری که هر چه چیزها بالاتر روند، بیشتر به سمت حقیقت می‌روند. اما به‌طور کلی حقایق از بالا تا پایین به‌طور پیوسته ضعیف‌تر می‌شوند و وقتی در سطوح مختلف متجلی می‌شوند، آنها حقایق سطوح مختلف هستند. آنگاه موجودات در هر سطحی، حالات مختلف و درک‌های متفاوتی از حقایق دارند. هر چه پایین‌تر می‌رود، الزامات پایین‌تر و رفتار موجودات ضعیف‌تر می‌شود. وقتی به این پایین‌ترین سطح موجودات بشری می‌رسد، موجودات این‌گونه رفتار می‌کنند و نزدیک به بدترین است. نیروهای کهن نظم و ترتیب‌های خاصی برای این آزار و شکنجه شیطانی ایجاد کرده‌اند. اینجا درحال محدود کردن اهریمن هستم و آن خدایان راستین محافظ فا نیز درحال انجام این کار هستند. نیروهای کهن نظم و ترتیب‌های خود را دارند، اما در واقع شیطان درحال محدود شدن نیز می‌باشد. وقتی شیطان شیطنت خود را به کار می‌گیرد، آنها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که با خشونت وحشتناکی رفتار می‌کنند، اما وقتی نوبت به نتایج واقعی می‌رسد، خیلی ضعیف هستند. البته، وقتی انسان‌های شرور به نمایندگی از طرف شیطان رفتار می‌کنند، تا وقتی که افکار درست مریدان دافا نقصی نداشته باشد و قوی باشد، افراد شرور ترسیده و حتی مغلوب افکار درست می‌شوند. مسائل این‌گونه هستند. به‌طور کلی شیطان قادر نبوده هر کاری که خواهان آن است را انجام دهد، زیرا هرچه باشد خدایان درحال کنترل امور هستند. نیروهای کهن نظم و ترتیب‌های خود را دارند، اما آنها صرفاً در تلاش هستند تا شرایطی را فراهم آورند که نیاز دارند و نیروهای کهن قادر نبوده‌اند هر کاری را به‌دلخواه خود انجام دهند، زیرا آنچه می‌خواهم انجام دهم و ممانعت خدایان راستین، آنها را از دستیابی به آنچه درنظر دارند انجام دهند باز می‌دارند.

کیهان کهن، حقایق کهن دارد. هر موجودی، قبل از اینکه فا او را اصلاح کند، نمی‌تواند هیچ چیزی از بعد از اصلاح فا را ببیند و نمی‌تواند تجلی واقعی فای جدید را ببیند، چراکه ارزش آن را ندارد. وقتی یک موجود بتواند واقعاً تجلی فای جدید و کیهان جدید را ببیند، آنگاه او معادل یک موجود جدید است و به‌طور طبیعی کارها را بر اساس آن انجام می‌دهد. آنها نمی‌توانند آن چیزها را ببینند زیرا موجوداتی هستند که به کیهان گذشته تعلق دارند و از این‌رو نمی‌توانند آینده‌ای را ببینند که متعلق به کیهان گذشته نیست. و این آینده چیزی نیست که در طول دوره تاریخی کیهان قدیم نظم و ترتیب داده شده باشد، کیهانی که زمان‌های سریع و آهسته و تفاوت‌هایی بین بعدهای مختلف در آن باشد، و چیزی باشد که خدایان کیهان قدیم می‌توانند ببینند. آن درباره یک کیهان جدید و متفاوت است، کیهانی که در آن هر چیزی دوباره نظم و ترتیب داده شده - خواه زمان باشد، یا بعدها، موجودات، مکانیزم‌ها یا فا باشد. آن به هیچ شکلی به هیچ چیزی از کیهان قدیم متصل نیست و موجودات کیهان قدیم

نمی‌توانند آن را ببینند. اگر می‌توانستند، فراتر از توانایی‌های تمام خدایان می‌رفتند. بنابراین بر اساس فای کهن عمل می‌کنند، نظم کیهان قدیم را دنبال می‌کنند و کاری را انجام می‌دهند که خواهان انجام آن هستند. تغییر بسیاری از مسائل واقعاً سخت است. گاهی اوقات از آنها می‌خواهم کارهای خاصی را انجام دهند و آنها فکر می‌کنند که بی‌اساس است، بنابراین جرأت نمی‌کنند آنها را انجام دهند. آنها صرفاً موجوداتی از این دورهٔ زمانی هستند، از این رو فکر می‌کنند که آن، شیوهٔ درست انجام کارها است. وقتی اصلاً هیچ کاری انجام نمی‌دهند، می‌تواند خوب رفتار کردن در نظر گرفته شود.

درواقع، آنهایی که درحال مداخله با اصلاح فای بوده‌اند دسته‌ای از نیروهای کهن هستند. نسبتاً بیشتر موجودات در کیهان غول‌آسا در آن شرکت نکرده‌اند و در وضعیت تماشای امور هستند. اما، وقتی جریان عظیم و کلی اصلاح فای وارد شود، خواه درحال مشاهدهٔ آن بوده باشند یا در آن شرکت کرده باشند، همگی در اصلاح فای حل و فصل می‌شوند؛ آنهایی که باید جذب شوند، جذب خواهند شد، آنهایی که باید به‌طور نیک‌خواهانه‌ای حل و فصل شوند، به‌طور نیک‌خواهانه‌ای حل و فصل می‌شوند، و آنهایی که نمی‌توانند جذب شوند یا به‌طور نیک‌خواهانه‌ای حل و فصل شوند، اگر سطح‌شان باید پایین بیاید، سطح‌شان پایین خواهد آمد، و آنهایی که مرتکب جنایاتی شده‌اند و باید سرنگون شوند، سرنگون خواهند شد. می‌گویم برای یک موجود راحت نیست که وارد آینده شود، چیز راحتی نیست، زیرا آینده متعلق به موجودات این چرخه نیست. اگر از منظر درک‌های کهن به آن نگاه کنید، اینکه موجودات این چرخه وارد آینده شوند، اینکه وارد چرخهٔ بعدی بدن‌های کیهانی‌ای شوند که به آنها تعلق ندارند، مطلقاً غیرممکن است. درطول این اصلاح فای، با همه چیز و با همهٔ موجودات با بزرگترین رحمت برخورد کرده‌ام و به همین دلیل است که می‌خواستم این موجودات جذب شوند و آنها را از این کیهان قدیم عبور دهم و به همین دلیل است که در نظر گرفتم اصلاح فای کیهان را انجام دهم. اگر این طور نبود، اصلاً برای موجودات این چرخه هیچ فرصتی نمی‌بود که به آینده بروند. آینده به آنها تعلق ندارد، به این موجودات حاضر تعلق ندارد. بنابراین اگر کسی بخواهد به آینده برود باید مطابق الزامات آینده باشد.

البته، درحال حاضر، برای یک موجود این قابل‌دستیابی نیست و خیلی سخت است که مطابق آن باشد. اما نکته‌ای هست: فای من درحال گسترش است و لایه‌لایه موجودات ذی‌شعور همگی از آن آگاه هستند و بسیاری از موجودات درحال یادگرفتن و خواندن آن هستند. در هر سطحی جوآن فالون وجود دارد، حقایق در هر سطحی متفاوت هستند و کلمات داخل نیز متفاوت به نظر می‌رسند، و همگی آنها حقیقت کیهان جدید در سطوح مختلف هستند. بسیاری از موجودات درحال خواندن آن و جذب کردن خود در آن هستند. زیرا این چیزی است که حتی از زمان‌های بی‌نهایت دور، از زمان آغاز کیهان، در گذشته هرگز وجود نداشته، و این چیزی است که موجودات ذی‌شعور هرگز جرأت نکردند به آن فکر کنند، اینکه، بتوان از چنین شکافی در تاریخ گذر کرد، چراکه آن تاریخ متعلق به هیچیک از موجودات در کیهان حاضر نیست. هر چیزی در این تاریخ، و تمام موجودات در کیهان که درحال زندگی در این محیط هستند، و این تاریخی که برای هستی موجودات، این محیط را فراهم کرده، واقعاً وارد آینده‌ای خواهند شد که به این تاریخ تعلق ندارد و درواقع هیچ ارتباطی با آنها ندارد. این شبیه این کیهان قدیم نیست، که وقتی بدن‌های کیهانی سطوح مختلف، دیگر در حد کافی خوب نیستند نابود می‌شوند و بدن‌های کیهانی جدیدی آفریده می‌شود. آن روند شبیه آفرینش و انهدام موجودات ذی‌شعور جهان‌های جدید و قدیم در سطوح مختلف در این افلاک غول‌آسا به‌نظر می‌رسد، اما در واقع این کاملاً متفاوت است. بدون توجه به اینکه بدن‌های کیهانی مختلف در کیهان چگونه نابود و دوباره آفریده می‌شوند، آنها هنوز هم نتیجهٔ یک فکر یک موجود بالاتر در این کیهان در سطحی بالا و توانایی‌های او هستند. به عبارت دیگر، آنها هنوز هم نتیجهٔ استانداردها و نظم و ترتیب‌های کیهان قدیم هستند. زیرا برای یک موجود حتی بزرگتر، بدن‌های کیهانی زیرین او همگی بخشی از بدن او هستند و وقتی یک سلول خاصی درطول روند متابولیسم از بین می‌رود، وقتی آن سلول دوباره بوجود می‌آید، هنوز مکانیزم‌های خود، ویژگی‌های خود و چیزهای جهان خودش را حمل می‌کند- هر چیزی به‌وسیلهٔ او انجام می‌شود. اما وقتی کل کیهان واقعاً تمام شده باشد، درست مانند این است که این موجود مرده است و بعداً در زمان خاصی، وقتی یک موجود دوباره آفریده می‌شود، هیچ ارتباطی با موجودی که مرده ندارد. آنچه اینجا دربارهٔ آن صحبت می‌کنم، مانند چگونگی ترک کردن روح از بدن فیزیکی نیست، که مانند این باشد لباس خود را درآورده و لباس دیگری پوشیده باشد، آن، چنین ارتباطی نیست، و آن هیچ ارتباطی با گذشته ندارد.

تمام آن سه‌گانگی یک موجود از بین می‌رود و از هستی باز می‌ایستد و بدون توجه به اینکه [سطح] آن موجود چقدر بالا باشد، هیچ چیزی باقی نمی‌ماند. این مفهوم، درخصوص پایان این افلاک، برای تمام موجودات این کیهان، مفهومی پوچ است، همگی با آن گیج شده و هیچ کسی آن را درک نمی‌کند؛ چیزی ورای درک و فهم آنها است. حتی اگر تصور خود را آزاد گذارند هنوز هم محدود به چیزی است که یک موجود می‌تواند در این کیهان درباره‌اش فکر کند یا بداند، و آن درون گستره‌ی خردی است که به‌وسیله‌ی موجودات این چرخه ایجاد شده است. این اصلاح فا، با این اهمیت، برای آنها هیچ مفهومی ندارد. و بیشتر اینکه، موجودات ذی‌شعور وقتی با تمام مسائل در اصلاح فا مواجه می‌شوند، متعجب می‌شوند و نمی‌دانند چگونه واکنش نشان دهند. همگی می‌دانند حقایقی که آموزش دادم خوب هستند، اما حقایق کهن، آنجا هستند، و آنها در طول دوره‌های فساد و انهدام به‌وسیله‌ی حقایق کهن آفریده شدند. به همین دلیل است که الزامات اصلاح فا برای تمام موجودات این است که کاری انجام ندهند.

خوشبخت‌ترین آنها کسانی هستند که در طول دوره‌ی اصلاح فا هیچ حرکتی نکردند - صرفاً به آرامی امور را تماشا می‌کردند. از آنجا که می‌خواهم همگی آنها را نجات دهم، همه‌ی این موجودات را جذب کیهان جدید می‌کنم و به کیهان جدید می‌برم. اما نیروهای کهن دیدند که آن همه موجودات در تاریخ مرتکب گناهان بیشماری شدند، فکر کردند که آن موجودات نباید نجات پیدا کنند و نباید نگه داشته شوند، و احساس اطمینان کردند که کنترل اصلاح فای من را در دست دارند، از این رو نظم و ترتیب دادند که در طول اصلاح فای من آن موجودات از بین بروند. بنابراین چرا وقتی به موجودات در این دنیا می‌رسد، آنها آن پلیس‌های شرور را آنقدر بی‌رحم، خشن و وحشی می‌کنند و چرا باعث می‌شوند آن چیزهای شیطانی سطح پایین شیطنت کنند؟ هدفشان این است که مردم خاصی از این دنیا و شاگردانی که در نظرشان خوب نیستند را از بین ببرند. بنابراین آنها آن بدکاران و قربانیان‌شان را وادار به ارتکاب گناهان عظیمی می‌کنند. آنها می‌گویند که سطح‌شان کمی بالاتر است این کارها را مستقیماً انجام نمی‌دهند. آنها فکر می‌کنند از آنجا که خدا هستند، مقدس و پاک‌اند و نمی‌خواهند دستان خود را در توده‌ای آشغال فرو کنند تا مستقیماً امور را آشفته کنند، زیرا یکبار که اینجا می‌آمدند سقوط می‌کردند. از این رو به ترتیب موجوداتی را که در نزدیک‌ترین سطح پایین‌تر از خودشان قرار دارند کنترل می‌کنند. نیروهای کهن در سطوح مختلف درحال انجام کارهایی هستند که با اصلاح فا در هر سطحی تداخل می‌کنند و به همین دلیل است که وقتی به دنیای بشری می‌رسد، موجودات شیطانی شرورانه‌تر عمل می‌کنند. هرگز در گذشته اصلاح فا انجام نشده است. بدون توجه به اینکه شرایط چقدر پرخطر شود، اصلاح فا یک فرصت بی‌نظیر برای تمام موجودات ذی‌شعور باقی می‌ماند. مدت‌های بسیار طولانی است که فا وجود داشته است؛ من با این بی‌نظیرترین، تماماً دربرگیرنده، تماماً هماهنگ‌کننده، توانای مطلق و این بهترین فا آمدم. (تسویق گرم)

اما برای مریدان دافایی که آمدند تا به فا اعتبار ببخشند و برای موجودات در کیهان بزرگتر، این صرفاً موضوعی است از اینکه نجات‌بخشی فا را واقعیت عینی ببخشند. به عبارت دیگر، این فا مدت‌ها پیش اینجا بود، و این فقط موضوعی از این است که موجودات ذی‌شعور چگونه بر اساس آن عمل می‌کنند، یا همان‌طور که گفتم، چگونه جذب آن می‌شوند - فقط این روند را دربرمی‌گیرد، همین. قبلاً گفتم که هیچ کسی نمی‌تواند به این فا آسیب برساند. این‌طور نیست که ضمن انجام این کارها، درحال خلق فای جدیدی هستم. از زمان‌های بسیار دور، این فا وجود داشته است. فقط موضوعی از این است که موجودات ذی‌شعور چگونه جذب این فا می‌شوند، همین. یک موجود هرچه خرد بیشتری داشته باشد، خودش را والاتر در نظر می‌گیرد، اما واقعیت‌هایی وجود دارد که حتی یک موجودی با خرد زیاد نمی‌تواند در این سطح ببیند. هر فکری که نسبت به اصلاح فا داشته باشد، تأثیر بسیار زیادی روی او می‌گذارد. یک فکر او می‌تواند باعث شود لایه‌لایه موجودات ذی‌شعور علیه اصلاح فا مرتکب گناه شوند، و سپس او علیه اصلاح فا مرتکب گناه شده است. بدون توجه به اینکه این موجودات چقدر بزرگ هستند، همگی با این موضوع مواجه می‌شوند، زیرا هیچ موجودی از این کیهان، متعلق به کیهان آینده نیست و بدون توجه به اینکه چه اندازه از وضعیت واقعی را می‌تواند ببیند، هنوز نمی‌تواند آنچه را که غایبی است ببیند. بنابراین حتی برای آخرین موجودات نهایی کیهان، این می‌تواند فاجعه‌ای عظیم باشد - به محض اینکه فکر [نادرستی] ظاهر شود، نمی‌تواند از فاجعه بگریزد. من درحال استفاده از کلمات بشری هستم تا مسائل را به این شکل توصیف کنم و آن را فاجعه می‌نامم، زیرا بدون اصلاح فا موضوعی از

نجات موجودات ذی‌شعور وجود نمی‌داشت و هر چیزی که دوباره آفریده می‌شد هیچ ارتباطی با کیهان قدیم نمی‌داشت. از این رو این درواقع بزرگترین رحمت نسبت به موجودات در این کیهان است. (تشویق)

می‌دانید، موجودات سطوح مختلف کیهان، بدن‌های کیهانی مختلف، افلاک مختلف و افلاک غول‌آسای مختلف، با یک فکر یک خدای سطح بالا آفریده می‌شوند. حتی همان‌طور که این را الان می‌گفتم، موجوداتی هستند که آن بالا نشسته‌اند و کاملاً احساس خوشایندی نسبت به خود دارند. فکر می‌کنند که هر چیزی با یک فکر خودشان آفریده شد. اما آنهایی که بالاتر از آنها هستند به آنها می‌خندند- «همه آنها با یک فکر من آفریده شد.» و آنهایی که در سطحی حتی بالاتر هستند نیز این‌گونه فکر می‌کنند. زیرا هیچ‌یک از آنها نمی‌دانند که حتی لردهای بسیار بزرگتری بالای آنها وجود دارند. اما کسی که واقعاً می‌بیند که چقدر آنها خنده‌دارند من هستم. (تشویق) این اصلاح فا بزرگترین فرصت برای آنها و بزرگترین رحمت نسبت به آنها است، اما همگی می‌خواهند همه آنها را کنترل کنند. آنها فکر می‌کنند آنچه در کنترل خود دارند بهترین است و با اصلاح فا درحال کمک به من هستند. آنها حتی بهترین چیزهای خود را به زور به من تحمیل می‌کنند. در این باره بیندیشید، وقتی چیزهایی را به من تحمیل می‌کنند، چقدر مانع و چقدر بازداری برای من ایجاد می‌کنند؟ و وقتی چیزهای آنها را نمی‌خواهید فکر می‌کنند که بهترین چیزهایشان را رد می‌کنید و نمی‌پذیرید و در نتیجه مانند این است که کیهان را نابود می‌کنید، مانند این است که آینده را نابود می‌کنید- آنها آن را این‌گونه می‌بینند. آنها فقط این اندازه خرد دارند در نتیجه این، نهایت درک و فهم‌شان است.

تقریباً همه سطح‌سطح موجودات درون سیستم نیروهای کهن به این شکل فکر و عمل می‌کنند و این چیزی است که باعث موانع در اصلاح فا شده است. وقتی آن یک فکرشان در پایین‌ترین سطح کیهان متجلی می‌شود منجر به بدترین نتایج می‌شود. هرچه موجودات پایین‌تر و بدتر باشند، کارهای بدتر و پلیدتری انجام می‌دهند. درواقع کل این آزار و شکنجه این‌گونه پدید آمد. درواقع، سطح‌سطح موجوداتی که الان درباره‌شان صحبت کردم... الان دیگر درباره موجودات داخل آن بدن‌های کیهانی عظیم صحبت نمی‌کردم- درباره آن بدن‌های اصلی، پادشاهان، بدن‌های اصلی بزرگتر، و پادشاهان پادشاهان بدن‌های کیهانی عظیم مختلف صحبت می‌کردم. درباره آن موجودات صحبت می‌کردم. در این باره بیندیشید که در این افلاک چه تعداد خدا، بودا، دائو و موجودات ذی‌شعور بی‌شمار بی‌اندازه در سطحی پس از سطحی دیگر وجود دارد. لزومی ندارد درباره آنها صحبت کرد، چراکه آنچه آنها انجام می‌دهند، یا آنچه به‌طور خاصی انجام می‌دهند، تماماً به‌وسیله آنچه بدن اصلی‌شان انجام می‌دهد باعث می‌شود.

این کیهان بسیار عظیم است، بنابراین یکبار که استاد درباره آن صحبت کند، این صحبت خیلی گسترده و سطح بالا می‌شود، زیرا آنچه اکنون با آن مواجه هستم همگی چنین موضوعاتی هستند و آنچه اکنون با آن سر و کار دارم همگی چنین مسائلی هستند. و آنچه در دنیای مردم عادی منعکس می‌شود همگی از آنچه موجودات در آن سطوح بالا انجام داده‌اند می‌آید. من همین‌طوری فا را آموزش نمی‌دهم، به آنها نیز حقیقت را آموزش می‌دهم، و درخصوص این چیزها به‌طور خاصی آموزش می‌دهم. برای آنهایی که پایین‌تر هستند به‌نظر خیلی سطح بالا می‌آید، اما شما که اینجا نشسته‌اید همگی مریدان دافا هستید، بنابراین هرچه باشد، درحال آموزش چیزی به مردم عادی نیستم. چیزهایی که امروز درباره‌شان صحبت می‌کنم، برای مردم عادی سخت است که درک کنند. اما مردم می‌توانند نیک‌خواهی مرا احساس کنند، آنها می‌توانند انرژی احساس کنند و می‌توانند احساس کنند که برای‌شان خوب است. اما فقط مریدان واقعی دافا آنچه را که آموزش می‌دهم درک می‌کنند. (تشویق)

هنوز ناهار نخورده‌اید، پس واقعاً نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم. (تشویق پرشور طولانی و درخواست از استاد برای ماندن)

درواقع، بدون توجه به اینکه چقدر بگویم، هنوز باید به‌طور واقعی تزکیه کنید- این اولین و مهمترین چیز است. کنفرانس‌های فای‌تان را دست‌کم نگیرید- این بخشی از روند کلی تزکیه مریدان دافا است. (تشویق) درحالی که می‌خواهید آموزش سطح بالاتر و چیزهای بیشتری را از من بشنوید و به جزئیات بیشتری بپردازم، در حقیقت، در طول تزکیه هنوز باید یک قدم در هر زمان پیشرفت کنید. بنابراین قبل از اینکه اصلاح فا به اتمام برسد باید قدر وقت و زمانی که باقی مانده را بدانید و در

تک تک کارهایی که یک مرید دافا باید انجام دهد به طور پیوسته به خوبی عمل کنید. در این مسیر به سوی آینده و به سوی چیزی که باشکوه‌ترین است باید این گونه ادامه دهید؛ نمی‌تواند حتی یک فرصت را از دست بدهید، یا در هر قدم به انحراف بروید.

حتی اگر بهترین سعی خود را بکنید که مسیرتان را به خوبی ببینید این واقعاً سخت است. در طول تزکیه به طور پیوسته می‌لغزید و می‌افتید و سپس خود را بلند می‌کنید تا به رفتن ادامه دهید. اما این اجتماعی که با آن مواجه هستید، که این علم بشری، این واقعیت، آن را به وجود آورده خیلی وسوسه کننده است. از این رو، وقتی با این اجتماع عادی مواجه می‌شوید، واقعاً سخت است که بین یک تزکیه کننده بودن و یک فرد عادی بودن تعادل برقرار کنید و سخت است که انواع و اقسام وابستگی‌ها را درهم شکنید. اما بدون توجه به اینکه چه چیزی باشد، شما مرید دافا هستید، پس صرفاً در ذهن‌تان افکار درست را حفظ کنید و بهترین سعی خود را بکنید که در آنچه باید انجام دهید به خوبی عمل کنید. درحالی که تا بیشترین حد امکان مطابق مردم عادی هستید درحال تزکیه می‌باشید. نیازی ندارد راهب شوید یا شبیه آن افرادی رفتار کنید که این جهان دنیوی را ترک کردند. در حقیقت، درخصوص شکل، این راحت‌ترین است. اما وقتی به رشد شین‌شینگ‌تان می‌رسد، هیچ مصالحه‌ای نمی‌تواند صورت گیرد. برخی افراد می‌توانند به آن پی ببرند و برخی ممکن است نتوانند به آن پی ببرند و حتی ممکن است صعود و پیشرفت‌تان را به طور خیلی شدیدی متوجه نشوید. اما وقتی به این مسائل می‌رسد، این مطلقاً جدی است. هرگاه بخشی به طور کامل تزکیه شود فوراً جذب آن طرف می‌شود و به همین دلیل است که در این سمت، همیشه احساس می‌کنید گویی خیلی پیشرفت نکرده‌اید. زیرا تغییرات در سطح، خیلی کوچک هستند، درحالی که تغییرات در هسته و مرکز خیلی عظیم هستند. بنابراین به این شکل، تضمین می‌شود که بتوانید تزکیه کنید، تضمین می‌شود که بتوانید رشد کنید و تضمین می‌شود که در روند تزکیه حتی وقتی توجه کافی نمی‌کنید و می‌لغزید و زمین می‌خورید، آن به افت سطح‌تان منجر نشود. زیرا سمتی که به طور کامل تزکیه شده، جدا شده است. وقتی جدا می‌شود، سمتی که به طور کامل تزکیه شده وقتی این بدن بشری اشتباه می‌کند، مرتکب اشتباه نمی‌شود و بنابراین به احتمال زیاد سطح‌تان افت نخواهد کرد. این درخصوص تزکیه معمول است. اما درخصوص افرادی که در لحظات حیاتی به سمت مخالف می‌روند یا کارهایی در زمینه آزار و اذیت دافا و مریدان دافا انجام می‌دهند، موضوعی متفاوت است. برای تزکیه کنندگان، وقتی به بالا رفتن الزامات شین‌شینگ‌تان و رها کردن وابستگی‌های‌تان می‌رسد، مطلقاً هیچ جایی برای انعطاف نیست و استاندارد مطلقاً نمی‌تواند پایین بیاید، زیرا باید نسبت به آینده، نسبت به کیهان و موجودات ذی‌شعور آینده مسئول باشیم. بسیاری از مریدان دافا در آینده به مقام موجودات غول‌آسایی می‌رسند و موجودات ذی‌شعور بسیار زیاد و حتی موجودات بی‌کرانی را دربرخواهند گرفت. بنابراین اگر استانداردها پایین بیاید، آنگاه آن سطح از کیهان زیاد دوام نخواهد آورد و آن سطح از افلاک زیاد دوام نخواهد آورد، از این رو باید مطابق استاندارد باشید.

اما، به خاطر اینکه استاد این را گفت نگران نشوید. هرگز شما را به کاری مجبور نکرده‌ام. می‌توانید درحالی که تا حد امکان مطابق اجتماع عادی هستید تزکیه کنید. اما به عنوان یک تزکیه کننده، باید بدانید که چگونه رفتار کنید. بهترین سعی‌تان را بکنید که خوب عمل کنید و بهترین سعی‌تان را بکنید تا مطابق استاندارد یک تزکیه کننده باشید. مخالف این هستم که به محض اینکه استاد چیزی می‌گوید فوراً نگران شوید، و وقتی نگران شوید فوراً به افراط می‌روید و انجام هر کاری را متوقف می‌کنید و فکر می‌کنید، «فقط کارهای اصلاح فا را انجام می‌دهم.» نمی‌توانید این کار را انجام دهید، زیرا مسیری که امروز مریدان دافا برمی‌گزینند، مسیر تزکیه مردم آینده خواهد بود.

تأثیر مذهب بر جامعه را در زمان افول اخلاقیات بشری دیده‌اید. نه تنها نمی‌تواند مردم را نجات دهد، بلکه ایمان راستین مردم را نیز فاسد می‌کند. درخصوص آن افراد روحانی، افرادی که جهان دنیوی را ترک کرده‌اند، و تزکیه کنندگان، مردم عادی اعتماد و ایمان‌شان به خدایان را روی آنها گذاشته‌اند، امیدشان را به این افراد بسته‌اند. از این رو وقتی آن افراد خوب عمل نمی‌کنند، صرفاً درباره خوب عمل نکردن یک فرد نیست. وقتی یک گروه تزکیه یا یک مذهب، مسیری درست را نمی‌پیماید، فقط موضوعی از این نیست که خود آن، مسیری درست را نمی‌پیماید. باعث می‌شود کل اجتماع فاسد شود و باعث مشکلاتی برای گروه بزرگی از مردم می‌شود. و همزمان، ایمان نداشتن این افراد به خدایان تأسفانگیزترین و غم‌انگیزترین چیز برای موجودات ذی‌شعور است، برای آن موجودات ذی‌شعوری که به خدایان باور دارند. بنابراین در آینده به احتمال زیاد چنین شکلی از

مذهب وجود نخواهد داشت. شاید متونی که مردم در آینده مطالعه می‌کنند عناصری از فا را داشته باشند که از آنها پخش می‌شود و شاید آنهایی که می‌توانند در فعالیت‌های‌شان در اجتماع به‌خوبی عمل کنند، یا حتی بهتر عمل کنند، معادل تزکیه کردن باشد. مریدان دافا، وقتی هر کاری که امروز انجام می‌دهید را به‌یاد می‌آورید، آیا آن نیز شبیه این نیست؟ دافا هیچ شکل ملموسی در این دنیا ندارد که آن را نوعی امور سیاسی در اجتماع کند.

هر چیزی از آینده را در درست‌ترین مسیر می‌برم. بنابراین، مردم آینده برکت دریافت خواهند کرد. این اجتماع بشری در آینده به‌جا خواهد ماند، از این‌رو این [باقی ماندن اجتماع بشری] برکتی برای موجودات در آینده، برای موجودات ذی‌شعور در سطوح مختلف در آینده است، زیرا این یک فرصت است و بخشی از این است که موجودات به‌وسیلهٔ دافا هماهنگ و کامل شوند. در مقایسه، اجتماع بشری آینده نسبت به اجتماع بشری امروزه، تغییرات و تفاوت‌های بزرگی خواهد داشت. آیا تعداد زیادی از مردم نگفته‌اند که مردم آینده برکت دریافت خواهند کرد؟ برای تزکیه‌کنندگان گذشته، تزکیه سخت بود. بسیاری از افرادی که می‌خواستند تزکیه کنند به راهی فکر می‌کردند: زجر بکشند و از طریق سختی کشیدن تزکیه کنند. تزکیه از طریق رنج کشیدن واقعاً می‌تواند کارما را کاهش دهد، زیرا هرچه باشد درحال تزکیه هستید، بنابراین می‌توانید بالا بروید. اما حتی وقتی تمام تلاش‌شان را صرف می‌کردند، سطح‌شان هنوز محدود بود، و اکثر آنان نمی‌توانستند ورای سه‌قلمرو بروند. زیرا فای وجود نداشت که تزکیه‌شان را راهنمایی کند و آنها استانداردها و الزامات فا در سطوح مختلف را نمی‌دانستند. و موجودات در سطوح مختلف برای مسئول بودن نسبت به آنها زمانهٔ سختی داشتند. این‌گونه نیست که خدایان نسبت به آنان رحیم نبودند، بلکه قانون ایجاد متقابل و بازداري متقابل در کیهان درحال اجرا است. هرگاه کسی فکری داشته باشد، عناصر مختلفی را ایجاد می‌کند که از هر دو جنبهٔ مثبت و منفی هستند. وقتی فکری از نیکی داشته باشید، پلیدی نیز بروز می‌کند و وقتی فکری پلید داشته باشید، آن نیز تأثیری دارد. به همین دلیل است که بسیاری از تزکیه‌کنندگان گفته‌اند که «هر دوی نیکی و پلیدی از یک فکر پدید می‌آید.» اما چه کسی واقعاً حقیقت پشت این کلمات را می‌داند؟ خدایان نمی‌توانند نسنجیده عمل کنند. نجات مردم چیزی بی‌اهمیت نیست. چرا این‌گونه بود که وقتی عیسی مردم را نجات می‌داد و درحال چنین کار نیک بزرگی بود، موجودات در آسمان‌ها بدان‌گونه مسائل را کنترل کردند؟ و چرا کاری کردند که حتی مصلوب شود؟ به‌نظر می‌رسد که درحال زجر کشیدن برای گناهان انسان‌ها است، اما چرا یک خدا باید برای گناهان بشریت زجر بکشد؟ چرا خدایان بالاتر پایه‌میان نگذاشتند؟ چرا خدایان نمی‌توانستند مستقیماً گناهان انسان‌ها را کاهش دهند؟ در گذشته، اینها قوانین کیهان بودند- هر چیزی این‌گونه بود. از نظر من، به‌خاطر این است که فای کیهان کهن فاقد خردی در این زمینه است، بنابراین دفعهٔ بعد این‌گونه نخواهد بود. در آینده تغییرات عظیم بسیار زیادی روی خواهد داد، از این‌رو برای موجودات ذی‌شعور خارق‌العاده خواهد بود و چنین شرارتی وجود نخواهد داشت.

اما، گرچه نسبتاً بگوئیم قانون ایجاد متقابل و بازداري متقابل در آینده دیگر مطلق نخواهد بود، اما همچنان وجود خواهد داشت و موجودات مثبت و منفی همچنان وجود خواهند داشت. بنابراین وقتی به پایین‌ترین و بدترین سطح می‌رسد، گرچه به پلیدی پایین‌ترین سطح گذشته نخواهد بود، اما پایین‌ترین سطح همچنان خوب نخواهد بود. مردم آینده برکت دریافت خواهند کرد، اما فقط در مقایسه با مردم امروزه. چیزهایی خواهد بود که کارما ایجاد می‌کند، همچنین رنج کشیدن برای ازبین بردن کارمای بشریت؛ بنابراین جنگ، بلا و فاجعه وجود خواهند داشت. قطعاً این‌گونه خواهد بود. وگر نه وقتی گناهان بشر بیش از حد شود و از طریق رنج کشیدن و بازپرداخت ازبین برده نشوند، بشریت ازبین خواهد رفت. اگر بشریت هیچ سختی نمی‌داشت، نمی‌دانست شادی چیست؛ این مکان بشری نمی‌تواند آسمان شود. دقیقاً به‌خاطر اینکه رنج کشیدن دارد، یک فرد می‌تواند اینجا تزکیه کند و وقتی خوب عمل نکند می‌تواند کارما ایجاد کند. بنابراین اجتماع بشری همیشه محیطی خاص خواهد بود.

به بشریت بزرگترین برکت داده خواهد شد، که بدین معنی است که بشریت آینده استانداردهایی به پایینی استانداردهای بشریت فعلی نخواهد داشت و این بزرگترین رحمت است. (تسویق) وقتی هر چیزی آن قدر پلید نباشد، نسبتاً بگوئیم، محیط صعود خواهد کرد. رنج کشیدن آنقدر پایین نخواهد بود، و هر چیزی در سطحی بنیادی که دارای استاندارد بالاتر از بشریت فعلی است حفظ خواهد شد، و هر چیزی از طریق فا در این سطح صعود خواهد کرد. بنابراین درخصوص مردم آینده، آنهایی که قادرند قدم به آینده بگذارند مورد برکت قرار می‌گیرند. و چرا این‌گونه است؟ زیرا دافا اینجا اشاعه پیدا کرد، این مکان برای دافا

آفریده شد، موجودات اینجا فداکاری‌هایی کردند و آنها مایهٔ سربلندی پیشرفت تاریخ تا این مرحلهٔ امروز هستند. از این رو برکت‌هایی به موجودات آینده و به بشریت آینده داده خواهد شد.

البته، این موضوع ساده‌ای نیست. هر چیزی در کیهان به همدیگر مرتبط هستند و در ارتباط با هم هستند و همدیگر را کامل و تکمیل می‌کنند و عوامل و دلایل دیگری نیز مؤثر هستند. به عبارت دیگر، وقتی چنین تغییری در دنیا روی می‌دهد، بعدها و سطوح مختلف در کل کیهان نیز به‌طور متناظر قلمروی خود را ارتقاء می‌دهند هر سطحی... وقتی استاندارد در این مکان سه قلمرو بالا رفته، پس درباره‌اش بیندیشید، نمی‌توانید تا سطحی ارتقاء یابید که در کنار خدایان قرار بگیرید، بنابراین مکانی که خدایان هستند نیز باید ارتقاء یابد. و نمی‌توانید کاری کنید که یک سطح از خدایان به سطح خدایان دیگر ارتقاء یابند، بنابراین آن سطح از خدایان نیز باید ارتقاء یابد. به عبارت دیگر، استاندارد در هر سطحی ارتقاء می‌یابد. به عبارت دیگر، محیط هر سطحی بهتر خواهد شد. البته، برای دستیابی به این چیزها، مکانیزم‌های افلاک و مانند آن، و خرد و توانایی‌های فا باید به آن نقطه برسد و بدین گونه است که آن می‌تواند شکل هستی موجودات و هر جنبه از مسائل را خارق‌العاده‌تر کند.

آنچه مریدان دافا امروز با آن مواجه هستند بنیان گذاشتن بهترین چیزها برای آینده است. و به همین دلیل است که برای همگی شما، وقتی به الزامات شین‌شینگ می‌رسد یا استاندارد می‌کنند که به‌عنوان تزکیه‌کننده می‌توانید به آن دست یابید، هیچ جای انعطافی ندارید- باید به استاندارد برسید.

فا شما را ملزم می‌کند که تا حد امکان مطابق روش زندگی این اجتماع عادی باشید، بنابراین برای اینکه قادر باشید اینجا زندگی کنید، نمی‌توانید کاری کنید که مردم شما را فردی عجیب و غریب در نظر بگیرند. گرچه بسیاری از افرادی که جهان دنیوی را ترک کردند درحال تزکیهٔ این هستند، در واقع مذهب شکل دیگری از وضعیت جاری اجتماع بشری است. بنابراین به این شکل، مسیری که برمی‌گزینید درواقع در حال بنیان گذاشتن بنیانی برای موجودات آینده است. گرچه همهٔ این‌ها دربارهٔ این نیست که از شما به‌عنوان یک آزمایش استفاده شود. فا از مدتها پیش وجود داشته است؛ شما درحال به‌واقعیت درآوردن آن در عمل هستید، این یک چنین روندی است. اصلاح فا قطعاً موفق می‌شود. شاید از پیش‌گویی‌های مختلف یا افرادی که توانایی‌هایی دارند شنیده‌اید که بشریت با چنین و چنان فاجعه‌ای مواجه خواهد شد. اما هیچ کسی جرأت نکرده بگوید این اصلاح فا موفق نمی‌شود، زیرا بدون هیچ شک و تردیدی موفق می‌شود. زیرا بدون توجه به اینکه موجودات بتوانند الزامات فا برای آنها را در عمل به‌واقعیت درآورند یا خیر، اصلاح فا قطعاً موفق می‌شود. زیرا اگر نژاد بشر نمی‌توانست اعتباربخشی به فا را با موفقیت به انجام برساند، فا تمام موجودات را از نو می‌آفرید- فا هر چیزی که ناقص است را خودش دارد، زیرا هر چیزی به‌طور حاضر و آماده در دسترس است. آنچه «رحمت» نامیده می‌شود نیت من است که بگذارم موجودات دورهٔ قدیم جذب دورهٔ جدید و بخشی از موجودات آن شوند. این کاری است که می‌خواهم انجام دهم.

در طول تاریخ مردم شنیده‌اند که موجودات در سطوح مختلف دربارهٔ چنین و چنان رحمت صحبت می‌کنند و حتی خدایان در سطوح بسیار بالا دربارهٔ رحمت صحبت می‌کنند. اما ایدهٔ آنها از رحمت، محدود به استانداردهای خاصی می‌شود و همگی آنها با درک و قلمروی خود محدود می‌شوند. اما هیچ موجودی در کل کیهان قبلاً با این رحمت عظیم در اصلاح فا روبرو نشده است. منظور از «رحمت بی‌کران بودا» چیست؟ (تشویق گرم) البته، موجودات آینده نجات موجودات ذی‌شعور توسط مریدان دافا را خواهند دید. وقتی در تزکیه موفق شده باشید موجودات آینده رحمت بی‌کران بودای شما را خواهند دانست. اما مردم آینده دربارهٔ من نخواهند دانست، فقط شما می‌توانید دربارهٔ من بدانید، زیرا درخصوص موجودات ذی‌شعور، نیاز نیست که بدانند- و درواقع ارزش این را ندارند که بدانند- و برای‌شان کافیست که شما را بشناسند. در ابتدا هیچ کسی دربارهٔ من نمی‌دانست و در آینده نیز همچنان نخواهد دانست. (استاد می‌خندند) (تشویق گرم)

موجودات پیچیده هستند. حقیقت این است که، من اکنون روند خدا شدن یک انسان را در عمل به‌واقعیت درآوردم. بدن فیزیکی‌ام اکنون درحال ادارهٔ بهشت فالون است و در آینده، بسیاری از من‌های گذشتهٔ مرا خواهید دید، و در آن زمان، ممکن

است آنها را با من اشتباه بگیرد. در حقیقت، برای موجودات سخت است که جوهر و ذات بدن اصلی من واقعی‌ام، همان من اصلی واقعی مرا بشناسند. اما من همه چیز درباره شما را می‌دانم. (استاد می‌خندند) (تشویق طولانی)

وقتی آمدم، از میان روند پایین آمدن سطح به سطح گذشتم. خدایان در سطوح بسیار بالا یک سه‌گانگی دارند. در سطوح مختلف مفهوم و درک مختلفی از سه‌گانگی وجود دارد. در سطوح بسیار بالا، جایی که شکل‌های فیزیکی وجود دارد، سه‌گانگی ترکیبی از بدن واقعی، روح واقعی و فکر است - این همان سه‌گانگی است. در سطوح بسیار بالا این‌گونه است. در سطوح حتی بالاتر، دیگر این‌گونه نیست - آنجا، فکر و بدن یکی هستند، هیچ تمایزی وجود ندارد. حالا صرفاً از سطحی صحبت می‌کنم که خدایان شکل دارند، و سه‌گانگی، بدن واقعی، روح واقعی و فکر است.

وقتی تا سطحی پایین آمدم که شکل‌های فیزیکی دارد، شروع به آفرینش یک بدن واقعی کردم، و سپس قدم به قدم به افلاک غول‌آسا نزول کردم. هر بار، کاری می‌کردم که بدن واقعی به‌تنهایی نزول کند. به عبارت دیگر، من واقعی همان بدن واقعی است. در تمام مدت به شما گفته‌ام که من در سطحی‌ترین لایه هستم و این پوسته واقعی، من است. زیرا در هر سطحی همیشه آنچه در سطحی‌ترین لایه است را می‌آفریدم، همیشه بدن واقعی را می‌آفریدم، بنابراین با ورود به این مکان بشری، این بار آن بدن واقعی، درون این بدن فیزیکی وجود دارد. (تشویق) بنابراین، چندین روح واقعی‌ام را در سطوح مختلف و در تاریخ گذشته به‌جای گذاشتم. همگی آنها روح‌های واقعی گذشته‌ام در سطوح مختلف هستند. در طول اعصار، برخی از آنها فکر کردند که قادر نخواهم بود مجدداً بازگردم، بنابراین بدن دیگری [در سطح خودشان] را گرفتند، که تمامی آنها دقیقاً همان ظاهر من در آن زمان‌ها را دارند. بنابراین معنی آن این است که، در جهان‌های آینده، شما گذشته بسیاری از من‌های مرا خواهید دید. همگی آنها می‌توانند پس از اینکه جذب شوند، وارد کیهان جدید آینده شوند، زیرا به‌واسطه اینکه من بوده‌اند، تقوای عظیم و برکتی برای آنان است. هر بار با بدن واقعی نزول می‌کردم، از این‌رو هر بار وقتی بدن در آستانه نزول بود، روح واقعی نمی‌خواست که من نزول کنم، چراکه همگی آنها می‌دانستند که پایین رفتن، بسیاری از سختی‌ها را با خود دارد و هیچ فرقی با نابود شدن نمی‌کرد. بدون توجه به اینکه یک خدا از چه سطح بالایی می‌آید، در چشمان خدایان، وقتی نهایتاً به این مکان بشری می‌رسد، اصولاً او مرده است. بنابراین همان‌گونه که سطح به سطح پایین می‌آمدم، از ابتدا تا انتها همیشه بدن واقعی می‌ساختم. اما گرچه این بدن واقعی در طول زمانی بسیار طولانی از میان سطوح مختلف بسیار زیادی گذشته است، اما این پوسته نهایتاً از کجا آمد و او چه کسی است؟ هیچ موجودی نمی‌تواند بداند یا درک کند. این بار، به همان شکل، به همراه بدن بشری به این دنیای بشری نزول کردم، و در بیرونی‌ترین لایه یک شکل بشری سکنی گزیده‌ام. آنچه متفاوت است این است که این بدن واقعی درون بدن فیزیکی من است، اما هیچ موجودی نمی‌تواند به نهایت منشاء من پی ببرد یا آن را ببیند. وقتی الان می‌گفتم که برای موجودات در آینده سخت است که درباره من بدانند، منظورم این بود.

می‌گویم آنچه امروز درباره‌شان صحبت کردم نسبتاً سطح بالا است. (تشویق) اما به‌هرحال، به‌عنوان مریدان دافا، پس از شنیدن آنچه شنیدید، آن را راحت بگیرید و نوعی وابستگی شکل ندهید. به تدریج همان‌طور که از روند تزکیه می‌گذرید، برخی از آنها را درک می‌کنید، و برخی از شما ممکن است پس از اینکه نهایتاً به کمال رسیدید همه آنها را درک کنید.

ضمن صحبت درباره کمال، کمال شما ناگهان و به‌یکباره روی نمی‌دهد، مانند آن تزکیه‌کنندگان دن در گذشته، که با انفجار باز می‌شد - شبیه آن نیست. پس یک مرید دافا چگونه به کمال می‌رسد؟ آن سمت که به‌طور کامل تزکیه کرده‌اید همه چیز را می‌داند - آن شما است. وقتی این یک ذره از سطحی‌ترین قسمت شما تمام شود، مانند این خواهد بود که ناگهان از یک خواب بیدار می‌شوید. این‌گونه خواهد بود و هیچ لرزه شدیدی نخواهد بود. (تشویق)

در طول تزکیه‌تان، وقتی حقایق مختلف فا را از کتاب می‌بینید، آنها فقط آن یک ذره از درکی هستند که اینجا در سمت بشری می‌گیرید. می‌دانید، حقایق واقعی بودا نمی‌تواند در مقابل تزکیه‌کننده‌ای که هنوز بدن سطحی بشری دارد به‌طور کامل آشکار شود، بنابراین فقط یک درک کلی این سمت را دارید، درحالی که سمتی که به‌طور کامل تزکیه شده هم‌اکنون درک کاملی در آن قلمرو دارد. به عبارت دیگر، درحالی که تزکیه می‌کنید، هر سطحی که قرار است در آن باشید، در آن قلمروی کیهان، آن

سمتی از شما که به طور کامل تزکیه شده هر چیزی در هر یک از سطوح زیرین شما را می‌داند، و هر چیزی به طور کامل در مقابل چشمان شما است. این برای کل آن قسمت شما که به طور کامل تزکیه شده صحت دارد، تماماً تا اینکه آخرین قسمت شما به طور کامل تزکیه شود، و شما هر چیزی را خواهید دانست چنانچه گویی خیلی طبیعی است. سطح و ظاهر شما شبیه این خواهد بود که از خوابی بیدار می‌شوید - «آهان» - و صرفاً به انجام کارهایی خواهید پرداخت که قرار است انجام دهید. این گونه است. (تسویق)

تفکر شما در آن زمان این روش یا ساختار تفکر بشری را نخواهد داشت، یعنی، ساختار فکری آن بخشی از شما که به طور کامل تزکیه شده برطبق بهترین استاندارد یک خدا شکل و قالب گرفته است. بدین شکل، آن روش تفکر روش سطح پایین تفکر نخواهد بود، اما هر چیزی در سطوح پایین تر را می‌دانید. در واقع، می‌دانید، خواه بودا شاکيامونی باشد یا سایر بوداها یا خدایان باشد، آنها افکار حتی چهارپایان یا اسبها را می‌دانند، و حتی افکار موجودات پایین تر را می‌دانند، از همگی آنها آگاه هستند، و به طور کامل آگاه هستند، اما داخل آنجا نمی‌روند. صرفاً همه چیز را می‌دانند، همین. بعداً وقتی شما میدان دافا تزکیه‌تان را تمام کنید، هر چیزی پایین تر از خود را به طور واضح خواهید دید و هر چیزی را خواهید دانست. اما روش تفکر آن شبیه آنها نخواهد بود، داخل آنجا نخواهید رفت، و تفکر آن کاملاً در قلمروی خودتان خواهد بود. بنابراین بعداً، وقتی به کمال برسید، شاید شبیه این باشد که از خواب بیدار شوید، و به طور طبیعی هر چیزی را بدانید. زیرا بخشی از شما که به طور کامل تزکیه شده مدتهاست که در سمت دیگر رفته - و زمان آنجا شبیه زمان این بعد نیست - آن سمت شما مدتی طولانی را در آنجا سپری کرده و با هر چیزی آشنا است، بنابراین وقتی آخرین قسمت کوچک شما در این سمت به آنجا برود، آن نیز از هر چیزی آگاه خواهد شد. (تسویق)

قبلاً به شما گفته‌ام که وقتی تزکیه‌کنندگان در گذشته روشن بین می‌شدند آنها دن خود را منفجر می‌کردند و وقتی دن منفجر می‌شد، این انفجار در بعدها هر سطحی روی می‌داد، از این رو تأثیر عظیمی روی زمین می‌گذاشت، زمین لغزه یا امواج جزر و مد روی می‌داد، لرزش سهمگینی روی می‌داد. همه اینها روی می‌داد. حالا میدان دافای بسیار زیادی هستند، و سطح تزکیه‌شان بالا است. اوه! - بسیار عظیم می‌شد، آیا فجایع بی‌شماری برای اجتماع بشری به بار نمی‌آورد؟ بنابراین به این شکل روی نخواهد داد. هر چیزی خیلی طبیعی خواهد بود. از این رو در خصوص این فای، وقتی در گذشته این تعهد را در ابتدا شروع کردم، همه چیز را مدنظر داشتم. هر چیزی در این فای کامل‌ترین، دربرگیرنده‌ترین و بهترین است.

همچنین، بسیاری از شاگردان مان نگران بسیاری از مسائل هستند، انواع و اقسام چیزها. در حقیقت، یکبار که درباره آن چیزها فکر کنید قلمروی‌تان افت می‌کند. درباره هیچ چیز فکر نکنید، و نگران چیزی نباشید. استاد بخشنده است و قطعاً آنچه بهترین است را برای‌تان نظم و ترتیب می‌دهد. (تسویق) نیازی ندارید فکر کنید، «این بخشنده بودن استاد نسبت به ما است،» زیرا این چیزی است که شما از طریق تزکیه به آن نائل شده‌اید، و این از تقوای عظیم خودتان ناشی می‌شود. به همین خاطر است که استاد آن را برای‌تان انجام می‌دهد.

این تمام چیزی است که می‌گویم. (تسویق گرم)

آنهایی که به خوبی عمل نکرده‌اید: عجله کنید و کوشا شوید. ما کنفرانس فای‌مان را ادامه می‌دهیم. هر قدم را به خوبی بردارید. هر چه زمان بهتر شود، به شما می‌گویم، فرصت‌های تقدیری کمتر خواهد بود، بنابراین باید بهترین سعی خود را بکنید تا در خصوص کارهایی که میدان دافا باید انجام دهند، به خوبی عمل کنید. اما نمی‌توانید به افراط بروید، نمی‌توانید به هیچ افراطی بروید. وقتی به افراط بروید، به مسیری که برای‌تان نظم و ترتیب دادم و به الزامات فای برای شما آسیب می‌رسانید. کارهایی که باید انجام دهید را باید به شکلی طبیعی انجام دهید. اگر فردا کمال باشد، امروز هنوز از آن آگاه نخواهید بود، و فرض کنید به شروع یک کسب و کار فکر می‌کنید، پس صرفاً به پیش بروید و آن را انجام دهید. اما هر چیزی را برای‌تان هماهنگ می‌کنم. درباره هیچ چیز فکر نکنید! فقط هر کاری که قرار است انجام دهید را انجام دهید. (تسویق گرم)

با آرزوی موفقیت، کنفرانس فای ونکوورمان را به پایان می‌رسانم. از همگی متشکرم. (تسویق طولانی)